



ما به تاریخ نگاه ابزاری داریم/ غایت تاریخ را نمی توان حدس زد

بیژن عبدالکریمی در نشست «نظریه تاریخی انقلاب اسلامی» گفت: ما باید در یک حقیقت تعین ناپذیر خانه کنیم. تاریخ از امکانات پیش بینی ناپذیر برخوردار است و غایت تاریخ را نمی توان حدس زد.

بیژن عبدالکریمی در نشست «نظریه تاریخی انقلاب اسلامی» گفت: ما باید در یک حقیقت تعین ناپذیر خانه کنیم. تاریخ از امکانات پیش بینی ناپذیر برخوردار است و غایت تاریخ را نمی توان حدس زد.

به گزارش خبرنگار مهر، جلسه دوم نشست «نظریه تاریخی انقلاب اسلامی؛ تاملات روشی و نظری» با حضور بیژن عبدالکریمی پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی روز گذشته برگزار شد.

بیژن عبدالکریمی در این نشست گفت: تاریخ یکی از مهمترین منابع تفکر و شناخت بشری است تا جایی که بتوان گفت تفکر عین آگاهی تاریخی است. ما در این کشور تاریخ را به منزله یک منبع معرفتی از دست داده ایم چون با دو مانع تفکر تتولوژیک و تفکر ایدئولوژیک مواجه ایم. حامیان قدرت سیاسی در ایران هر دو وجه را دارند.

وی ادامه داد: دغدغه اصلی تفکر تتولوژیک حفظ مواضع اعتقادی خود است. روحانیت ما می خواهد اعتقادات خود را اثبات کند. تفکر تتولوژیک یک سیستم بشری را ساخته و این سیستم مجموعه ای از باورهای نهادینه شده تاریخی است.

وی افزود: ایدئولوژی هم چنین است. ایدئولوژی یعنی اینکه بشر می خواهد برای جامعه برنامه بدهد. ایدئولوژی با سکولاریسم و اومانیزم پیوند دارد. انسان با ایدئولوژی می خواهد اراده خود را بر جهان حاکم کند. نظام های ایدئولوژیک خواهان حفظ یک سیستم سیاسی اجتماعی اند و می خواهند به خود مشروعیت بدهند.

این استاد دانشگاه گفت: هر دو جریان تفکر ایدئولوژیک و تفکر تتولوژیک از مواجهه پدیدارشناسانه با تاریخ رویگردان اند.

وی افزود: نظام های ایدئولوژیک و تتولوژیک مواجهه های جدلی دارند و دل نگران حفظ و توجیه باورهای خود هستند. برای اینکه تاریخ یک منبع معرفتی باشد نباید خودبنیادانه و خودارجاعانه با تاریخ مواجه شویم.

وی ادامه داد: شاید گفته شود مگر می شود مورخی باشد که همه تاریخ را ببیند و تاریخ را در کلیت آن نمی توان مطرح کرد و گزارش هر کس تکه تکه است. پاسخ این است که متفکر راستین تکه هایی از تاریخ را که باور او را نقض می کند، مورد تامل قرار می دهد.

عبدالکریمی گفت: تفکر تتولوژیک یک تفکر دوری است. رجوع آن به تاریخ بر اساس مفروضات است و استدلال های آن بر اساس مفروضات از پیش تعیین شده است. تاریخ تتولوژیک تاریخ نیست بلکه یک نظام اعتقادی است.

وی ادامه داد: تفکر تتولوژیک و ایدئولوژیک سیستم ساز اند. البته همه ما سیستم ساز هستیم اما متفکر واقعی کسی است که اگر مواردی پیدا شود که سیستمش را توجیه نمی کند، سیستمش را تغییر می دهد. من بنده و غلام هیچ سیستمی نیستم و می خواهم جهان را آنگونه که هست بفهمم.

وی افزود: اهل تتولوژی و ایدئولوژی می کوشند جهان و تاریخ را در چارچوب تنگ نظام فکری خود بیاورند. مورخ راستین کسی است که می کوشد خود را در مقابل تاریخ گشوده نگه دارد. متفکر راستین سعی می کند از تاریخ بیامورد ولی نظام های تتولوژیک و ایدئولوژیک می خواهند بگویند تاریخ باید چگونه باشد.

این استاد دانشگاه گفت: همه مطالعات تاریخی مبتنی بر مفروضات است اما متفکر اگر تاریخ را خواند و مفروضاتش تایید نشد، آن را کنار می گذارد، در صورتی که در نظام های تتولوژیک و ایدئولوژیک اینگونه نیست.

وی ادامه داد: گزاره های تتولوژیک و ایدئولوژیک بسیاری از اوقات گزاره های دلیخواهانه است و مرز میان اسطوره و تاریخ واقعی را نمی دانند. تفکر تتولوژیک با همه چیز ابزاری برخورد می کند. آنجا که تاریخ به کار اثبات باورهایش بیاید، خوب

است و گرنه بد است. آنچه مبناست سیستم اوست. ما به تاریخ نگاه ایزاری داریم.

وی افزود: همه نظام های تتولوژیک و ایدئولوژیک دست به تاریخ سازی می زنند. این مسئله در مورد ادیان دیگر هم همینطور است. اینکه تاریخ باید چگونه رخ داده باشد یک استلزام اعتقادی است. نظام تتولوژیک و ایدئولوژیک به روش شناسی خود ناخودآگاه است و روشی را اتخاذ می کند که اجازه استفاده از همان روش را به رقیب خود نمی دهد.

عبدالکریمی گفت: تفکر تتولوژیک و ایدئولوژیک تاریخی می نویسد که گران بار از ارزش است و اجازه نمی دهد که پدیده ها خود را آشکار کند. وقتی در مورد جنگ ایران و عراق می گوئیم جنگ نور و ظلمت، این گران بار از ارزش است.

وی ادامه داد: پیام من این است که فلسفه تاریخ انقلاب اسلامی یک توهم است. ما باید به آزادسازی تاریخ بپردازیم که در زندان اندیشه های تتولوژیک و ایدئولوژیک است.

وی افزود: ملت ما از تاریخ محروم اند و قدرت سیاسی تاریخ سازی می کند. ما باید راهی را آغاز کنیم که تاریخ خودش با ما سخن بگوید.

این استاد دانشگاه گفت: انقلاب اسلامی پدیده ای نبود که بر اساس آن، انقلاب شکل گرفت. ما جریانات روشنفکری و نخبگان را در تاریخ سازی خود نادیده گرفتیم. باید گفت هیچ یک از توده ها توان سازماندهی توده های عظیم مردم را نداشتند چراکه روحانیت قدیمی ترین و اصیل ترین قشری است که وجود دارد در حالی که جریان روشنفکری جریانی دوقرنه است. روحانیت ثبات و سازماندهی خود را داشت. لذا با ورود توده ها همان روحانیتی که مخالف انقلاب بود، داعیه دار انقلاب شد.

وی در پایان گفت: ما سه نوع مواجهه با حقیقت داریم. یکی اینکه حقیقت وجود ندارد. دوم اینکه حقیقت وجود دارد و نزد من است و سوم اینکه حقیقت وجود دارد و در اختیار هیچ کسی نیست. نوع سوم مد نظر من است از این رو ما باید در یک حقیقت تعین ناپذیر خانه کنیم. تاریخ از امکانات پیش بینی ناپذیر برخوردار است. غایت تاریخ را نمی توان حدس زد. لذا جهان بی کرانه ای است که با غایت سیستم من تمام نمی شود.